

مقدمات آینده روشن*

سیدحسین تقی‌زاده

چهار رکن و چهار اساس

مؤسس و مدیر محترم مجله «آینده» به واسطه حسن ظنی که به این ضعیف دارند از من تقاضا فرمودند که در شماره اول این مجله سطری چند بنگارم. اینجانب نظر به اعتماد و اعتقادی که به پاکیزگی مسلک و جلوس نیت ایشان و روش مستقیم مجله دارم مطلوب ایشان را اجابت و به تحریر سطور ذیل مبادرت کردم.

یقین است که در این حوزه پرهیاهوی سیاست امروزی مقصود ایشان آن نبوده که من در ادبیات و تاریخ یا اصلاحات اجتماعی و نظیر آنها چیزی بنویسم و اگر هم مقصود ایشان این بوده باشد شکی ندارم که مطلوب اکثریت خوانندگان طهرانی غیر از این است یعنی اغلب مردم روزنامه‌خوان این پایتخت مایلند یک مقاله سیاسی بخوانند و عقاید سیاسی نویسنده را بسنجند حتی اگر خواسته باشید نوشته‌جات شما به رغبت تمام خوانده شود باید عنوان مقاله و موضوع آن را

*. مجله آینده، شماره ۱، سال اول (تیر ۱۳۰۴) صص ۱۷-۲۵ (با کمی اختصار).

جریانات پارلمانی، مبارزه احزاب سیاسی، سیاست کابینه، ایران و انگلستان، ما و روسیه و نظیر آنها قرار بدهید. لهذا این جانب نیز با وجود عدم میل به دخول در این گونه مباحث فرعیه و جدال‌انگیز باز موضوعی را که اختیار نمودم سیاسی است ولی راجع به اصول اساسی سیاست و احتیاجات عمده مملکت نه جزئیات مسائل جاریه.

چون موضوع مجله چنانکه از اسم آن استنباط می‌شود توجه به آینده مملکت ایران و سعی در جلب افکار ملت است به شرایط ضروریه یک آینده روشن اینجانب نیز عنوان مقاله را همین موضوع قرار داده و سطری چند در باب مقدمات اساسی یک آینده ایمن و روشن برای ملت ایران و آنچه امروزه به نظر خیلی مهم و اساسی می‌آید تا اندازه‌ای که به فهم قاصر خود درک می‌کنم ذیلاً به اختصار در صفحات مجله «آینده» ثبت می‌کنم.

به نظر اینجانب برای استقلال و ترقی و تمدن ایران چهار رکن عمده و شرط ناگزیر لازم است و پس از فراهم ساختن این ارکان اصلیه باید در چهار اساس مهم کار کرد. پیش از شرح و تفسیر این مطلب می‌خواهم یک مسئله مهم را توضیح کنم و هیچ شبهه‌ای در آن نگذارم و آن این است که ما بیش از هر چیز دیگر تمدن و ترقی و تربیت مردم این ملک را طالبیم و ایرانیان تجدد دوست و ترقی طلب و اصلاحات خواه عظمت و قدرت ایران را برای آن نمی‌خواهند که عشایر ایران تا مرکز هند و یا پترسبورگ بچاپند و از بیم صولت شیران عجم مردم در قسطنطنیه خواب راحت نکنند یا آنکه دائره نفوذ کلمه عناصر قهقرائی ما وسعت گرفته تا ژنو، و لاهه، هم برسد و...

نه ما ایران متمدن و آباد و باتربیت می‌خواهیم که در هیئت جامعه ملل

عالم آبرویی داشته در ترقی و آبادی عالم و افزایش علم و معرفت بشر با آن ملل همدستی نماید ورنه حبّ وطن تنها به معنی لغوی قدیمی آنکه اهل زنگبار و حبشه و کنگو نیز دارند با آن که فی حدّ ذاته صفت ممدوح و دلیل نجابت اخلاقی است کافی برای مقصود وطن خواهان نیست. باید به اندازه وطن دوستی و حتی بیش از آن اندازه ترقی و تمدن دوستی داشته باشیم و نه تنها به تصاحب و تملک ابدی قبرستان خراب خود دلخوش باشیم بلکه برای گلستان ساختن آن ویرانه نیز بکوشیم.

چهار رکن عمده این استقلال و تمدن و ترقی به عقیده اینجانب عبارت است از وحدت ملی، امنیت، اصلاح ادارات دولتی، بخصوص مالیه و اصلاح اصول حکومت ملی و نمایندگی ملی.

در باب وحدت ملی ایران و اهمیت آن شرح و تفصیل لازم نیست و تقریباً بدیهی است که وجود ایران به شکل یک دولت مهم و یک مملکت معتدبه کاملاً بسته به اتحاد عموم ملت ایران است فقط باید این حسّ هموطنی و یگانگی را به هر وسیله تقویت و تأیید کرد.

امنیت عمومی و قدرت قاهر مرکزی دولت در اکناف مملکت از دور و نزدیک و از ریشه برانداختن ملوک الطوائف بزرگترین و مهمترین قدمی است که این مملکت به سوی استقلال و تشکیل حقیقی دولت بر می دارد و این فقره شرط اساسی وحدت ملی نیز هست.

اصلاح ادارات دولتی مبنای هر اقدام و هر ترقی است و این اصلاحات باید از مالیه شروع شود. فعلاً اصلاح حقیقی بدون کمک مستشاران خارجی غیرممکن است و هرچه با تعصبات بی اساس و با وطن دوستی مفرط فقهقراایی در

این کار اخلال و ایجاد موانع و مشکلات شود و با اقدام به جلب مستشاران برای بعضی ادارات دیگر به تأخیر بیفتد نهضت ابتدایی این مملکت به سوی ترقی به تأخیر افتاده است. خوشبختانه مالیه ما در کار اصلاح است اگر آقایان کم حوصلگی نفرموده از مستشاران مالیه ما در دو سه سال نتیجه کامل اصلاح مالیه را نخواهند و مجال کار به آنها داده تقویت لازم بکنند پس از شش هفت سال دیگر اداره مالیه ما نیز منظم می شود و زمینه محکمی برای ترقیات دیگر پیدا می شود ولی مسلم است که برای سرعت اخذ نتیجه ترقی برای فلاح و تجارت و فوائد عامه نیز باید مدیران متخصص از خارجه جلب کرد.

برای تقویت اصلاحات و تأیید امنیت عمومی و سرعت جریان اقدامات لازمه مجلس شورای ملی خوب و دانایی لازم است.*

چهار اساس

آنچه در فوق ذکر شد یعنی وحدت ملی، امنیت عمومی، اصلاح ادارات توسط متخصصین خارجه و اصلاح ترتیب نمایندگی ملی به عقیده اینجانب چهار رکن مهم و شرط عمده تمدن و ترقی و اصلاح است. پس از کم و بیش فراهم ساختن این شرایط عمده می توان به ترقیات و اصلاحات مهمه دست زد. مقاصد عمده ملی را می توان چهار فقره دانست که سعی در حصول آنها واجب ترین کار

*. نظر به اینکه مجله آینده می خواهد فعلاً در مبحث انتخابات وارد نگردد، و به این واسطه در آغازنامه هم این مسئله خیلی مهم مسکوت گذاشته شد، عجله این قسمت مقاله آقای تقی زاده درج نمی شود و از نویسندگان معظم امید عفو داریم. برای اینکه در مقاله هیچ گونه تغییری رخ ندهد به جای قسمت حذف شده نقطه گذارده می شود.

خیرخواهان این خاک است.

اولاً ترقیات اقتصادی و مخصوصاً ساختن راهها و اصلاح زراعت و آبیاری به ترتیبات ممالک متمدنه فوتی‌ترین کارها است. هر چه از فواید و موجبات راه‌سازی گفته شود توضیح واضح خواهد بود لکن اشاره به فواید اصلاح زراعت و آبیاری با وجود وضوح آن بی‌فایده به نظر نمی‌آید. مملکت ایران اگرچه فعلاً در اغلب لوازم زندگی خاصه در مصنوعات به خارجه محتاج است و باید تا اندازه‌ای در داخله صنایع ماشینی را ترویج کرده و آنچه ممکن است از مصنوعات لازمه تهیه کند لکن باید معلوم شود که این مملکت فعلاً و بلکه تا صد سال دیگر مملکت فلاحتی خواهد بود و از محصولات خام خود کسب ثروت تواند کرد. پنبه، شکر، ابریشم، پشم، چایی، نیل، کتیرا درخت جنگلی و بخصوص گندم اگر عمل آوردن آنها توسعه یابد منبع ثروت بزرگی برای ایران توانند شد لکن فقط محتاج به ایجاد آب و بستن سدها و اصلاح امر آبیاری و ترویج طریقه زراعت علمی و دفع آفات به وسیله متخصصین است. ترقی ما در این زمینه و اهتمام ما در توسعه آن برخلاف ترقیات صنعتی نه تنها موجب رقابت و اخلال دول خارجه نمی‌شود بلکه ممکن است مورد تشویق آنها نیز واقع شود. بدبختانه در خیلی جاهای ایران حتی آبهای موجود هدر رفته و حرام می‌شود و استفاده زراعتی از آنها به عمل نمی‌آید برای انجام همه این مقاصد استخدام چند نفر مستشار فلاحتی واجب فوری است.

ثانیاً اهتمام جدی به امر صحت عمومی و نشوو نمای بدنی و جلوگیری از آفات مضره مانند مالاریا و کوفت و سل و امراض اطفال و تریاک و الکل و سعی بلیغ در کار ورزش‌های بدنی. اهمیت این کار نیز محتاج به توضیح زیاد نیست

لکن تأکید این فقره لازم است که این کار را هم قطعاً باید به دست متخصصین خارجه سپرد ورنه پول خزانه تلف می‌شود و فایده مطلوب حاصل نمی‌شود.

ثالثاً تعلیم عمومی ابتدایی - این فقره به نظر اینجانب مهم‌ترین تمام مقاصد ملی و کلیه امور اساسی مذکور در این مقاله است. ولی بدبختانه با کمال تأسف و تلهف قلبی باید گفت که توجهی که کم و بیش به امور مهمه دیگر در افکار عامه موجود هست به این فقره که رکن اعظم و اساس اهم ترقی و استقلال و تمدن و قدرت مملکت و بلکه حیات ملی ما است موجود نیست و این کار مورد رغبت عمومی و التفات مردم نشده و هنوز کما فی السابق آن را از مستحبات و محسنات می‌پندارند. ممکن است بعضی از خوانندگان بعضی مذاکرات شفاهی و تظاهرات صوری را مأخذ قرار داده بگویند مطلب این طور نیست و افکار عامه به اهمیت این مسئله متوجه است. هیچ دلیلی قاطع‌تر از اوضاع فعلی معارف برای ردّ این نیک‌بینی بی‌جا لازم نیست ارائه شود. برای همه چیز پول هست مگر معارف. بودجه معارف شرم‌انگیز است و قسمت بزرگ آن برای مدارس عالیه و متوسطه طهران صرف می‌شود و یا برای ادارات و وزارت‌ی یعنی «میز و صندلی» برای معارف تمام ایران به استثنای طهران صد و هفتاد هزار تومان یعنی کمتر از یک صدم بودجه مملکتی صرف می‌شود آن هم نه تنها برای مدارس بلکه صنایع مستظرفه و ادارات معارف ولایات و مفتشین و غیره نیز در آن جمله داخل است. هیچ چیزی عجیب‌تر از فرق ظاهر و باطن توجه مردم ایران به معارف نیست. در ظاهر به قدری از معارف و لزوم آن حرف زده می‌شود که تصور می‌رود تمام مملکت به درجه حقیقی اهمیت این مسئله در ترقی و استقلال و ثروت و تمدن و قدرت مملکت پی برده‌اند ولی «باطنش قهر خدا عزو جل» است و ابداً چیزی که در پی

آن نیستیم معارف یعنی تعلیم عمومی است و بس.

نصف تشکیلات و مخارج حالیه که می شود هم بلاشک برای پیدا کردن کار به اشخاص و «نان خوردن» مردم است و فایده‌ای برای مقصود حقیقی از این کار ندارد.

برای نویسنده این سطور باعث نهایت تعجب و حیرت است که حتی جمع قلیل دانایان این مملکت هم کما ینبغی به حقیقت اهمیت این فقره متوجه نیستند و نمی توانم تصور بکنم که چگونه از این نکته اساسی غفلت دارند که پایه استقلال آینده ایران جز به انتشار تعلیم ابتدایی در میان ملت و با سواد شدن عامه مردم استوار نتواند شد. قشون قوی «مالیه منظم» ترقی اقتصادی و راه آهن امروز ممکن است به واسطه اندکی آسودگی خارجی ایرانی پیدا شود و فردا به مجرد یک جنبش پنجه آزار با انگشت تحریک یک قوت خارجی در هم شکسته و چنان پاشیده شود که همه خواب به نظر آید و باز برگردیم به گرفتن مساعده‌های بیست و پنج هزار لیره‌ای متوالی در مقابل از دست دادن حقوق عمده و بالتماس اجازه افزودن یک فوج به عده ژاندارم خودمان و دوره زجر و شکنجه هولناک و قبض روح تدریجی سالهای ۱۲۹۲ (هجری شمسی) تجدید شود چنانکه تا حال مکرر ترتیبات امیدبخشی پیش آمده و بعد به هم خورده. از زمان ورود هیئت نظامی ژنرال گاردان فرانسوی به ایران در سنه ۱۸۰۷ مسیحی تا اخراج هولناک شوستر امریکایی از ایران بیش از ده مرتبه تشکیلات منظمی در این یا آن اداره مملکتی شروع شده و بعد به واسطه حوادث داخلی یا خارجی پاشیده شد لکن چیزی که برانداختن و نابود کردن آن به هیچ قوه داخلی و خارجی ممکن نیست ملت باسواد و عالم است.

مملکت آلمان قبل از جنگ قریب شصت هزار کیلومتر راه آهن، قریب صد و سی هزار کیلومتر راه شوسه، یازده میلیون قشون حاضر و ردیف، ملیاردها پول، قریب پنج هزار کشتی تجارتي، ده هزار لوکوموتیو و هشتصد هزار واگون داشته در کشتی‌های جنگی درجه دوم در دنیا داشت و مستعمرات زیادی را در آسیا و آفریقا و اقیانوسه مالک بود. عهدنامه ورسای قدرت آلمان را در هم شکست و به واسطه چند صد ماده و فصل تمام دشمنان آن مملکت متفقاً برای سلب قوای آن دولت هر تدبیر تصویرپذیری را اندیشیده و در عهدنامه گنج‌نایندند، کشتی‌های جنگی و تجارتي او را از دستش گرفتند پول و ثروت او را گرفتند، سیم‌های تحت‌البحری او را به امریکا گرفتند، پنج هزار لکوموتیو، صد و پنجاه هزار واگون، صد هزار توپ مسلسل و سنگین و ملیونها خروار ذخیره جنگی، مقدار بی حساب ماشین‌ها و کارخانه‌ها، معدن‌های ذغال سنگ تمام مستعمرات، چندین ایالت مهم از خاک او، هزاران اسب و گاو شیرده و ماشین‌های زراعتی و هزاران هزار چیزهای دیگر را گرفتند، هزاران بند و قید بر دست و پای او نهادند که در آتیه حرکتی نکند و جنبشی نتواند بنماید. لکن چنانکه خود آلمانی‌ها مکرر گفتند علم آلمان و اندوخته مغز ملت تنها چیزی در عالم بود که عهدنامه ورسای آن را نتوانست بگیرد و فقط به همین جهت است که آلمان باز زنده است و زنده خواهد ماند و باز ملت قابل‌اعتنایی در میان ملل خواهد شد چرا که تمام مملکت آلمان که قریب هفتاد ملیون نفوس داشت در سنه ۱۹۰۰ مسیحی فقط ۱۳۱ نفر بیسواد بود و امروز قطعاً هیچ نیست قریب هفتاد هزار مدرسه ابتدایی، قریب دویست هزار معلم و بیشتر از دو ملیون شاگرد وجود داشت، به هر نهمصد نفر نفوس یک مدرسه ابتدایی بود و علاوه بر اینها مقدار زیادی مدارس خصوصی

موجود است که در این حساب داخل نشده و بلاشک اگر این سرمایه علمی نبود بعد از عهدنامه ورسای آلمان به پایه مملکت بنگاله یا دکن نازل می‌شد.

ملت ایران اگر معتقد است که حالیه فرصتی تاریخی جزئی و موقتی و گذرنده برای ایران پیش آمده و اگر ایمان آورده‌اند که نجات قطعی ایران فقط به واسطه تعلیم عمومی میسر تواند شد باید پیش از هر کار ملی و مملکتی به این مقصود اهم کوشیده و اقللاً یک عشر عایدات دولت را صرف تعلیم ابتدایی ملت نمایند. مجلس مالیات مخصوصی که عایدات آن مخصوص صرف در تعلیم ابتدایی عمومی باشد وضع نماید و دولت عایدات مخصوص به معارف را صرف میز و صندلی ننماید بلکه به بسیطترین طریقی خواندن و نوشتن را به مردم ولایات یاد بدهد و قبل از هر چیز دارالمعلمین‌ها بنا کند و برای تنظیم وزارت علوم و گذاشتن شالوده صحیحی برای کار اداری آن وزارتخانه یک مستشار خارجی استخدام کند.

اساس چهارم ترقی نهضت ملت است به سوی تمدن و ترقی و تجدد و آزادی - این باب فصول متعدد دارد و میدان وسیعی است و اول قدم آن جنگ است بر ضد تعصبات جاهلانه که سد آهنینی در جلو ترقی ملت ما شده و زنجیری به دست و پا و بندبند عقل بشری و فطری زده است. شکستن طلسم تعصب قهقرایی پیشروان رشید و بااخلاق لایقی لازم دارد و این اشخاص به تدریج مدارس ما تهیه خواهد کرد.

سیدحسن تقی‌زاده

بعد از اظهار تشکر از دانشمند معظم استدعا داریم که نظریات مبسوط خود را در هر یک از موضوع‌های هشت‌گانه فوق و راههای عملی که برای

رسیدن به این مقاصد به نظرشان می‌رسد برای آگاهی عامه بنگارند. به نظر ایشان با کدام وسائل عملی می‌توان وحدت ملی ایران را حفظ و تکمیل نمود؟ امنیتی را که خوشبختانه امروز داریم جز به توقیت حکومت مرکزی و خلع سلاح ایلات و عشایر با کدام تدابیر عملی دیگر می‌توان استوار ساخت؟ اصلاح ادارات دولتی را که اشاره فرموده‌اند چگونه می‌توان هرچه سریع‌تر، اساسی‌تر و بادوام‌تر انجام داد؟ آیا باید به همان استخدام مستشاران خارجی قناعت کرد یا باید در عین حال تدابیر دیگری هم اندیشید؟ تعلیم ابتدایی را که کرورها خرج دارد با کدام چشمه عایدی کافی می‌توان عمومی نمود؟ آیا باید به همان آوردن مستشار خارجی برای وزارت معارف اکتفا کرد یا باید فکرهای دیگری هم در این زمینه نمود؟

دکتر افشار